

از نور شیطان تا کالسکه آتشی!

۸ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۲۴

دوران قاجار یکی از ادوار مهم تاریخ ایران در عرصه آشنایی ایرانیان با دست آوردهای غرب می باشد که شاید عمده ی این ماجرا بر اثر سه سفر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار به وجود آمده باشد، چرا که وی پس دیدن این تولیدات در ابتدا آن ها را در دربار رواج داد و در اندک زمانی میان تمامی افراد جامعه عمومیت یافت.

جوراب

تا باز شدن پای سلاطین قاجار به فرنگ، جوراب به صورت فعلی شناخته شده نبود و کسی جز در زمستان ها از دستباف های پشمی وطنی به نام «پاپوش» استفاده نمی کرد. در اغلب ماه های سال مرد و زن، پیر و جوان بدون پاپوش راه می رفتند و برهنه بودن پا از نظر آنان ایرادی نداشت و- به خصوص برای مردها- اگر کسی در تابستان پاپوش می پوشید مسخره می شد. زن ها در خارج از خانه برای پوشاندن پاهای خود از «چاقچور» استفاده می کردند که البته تا میج پای آنان را می پوشاند.

برق

اولین کارخانه برق توسط امین الضرب از روسیه وارد شد و محدوده روشنایش اندرون شاهی و برخی از خیابان های اطراف آن بود. اگرچه در ابتدا مردم به آن «نور شیطان» می گفتند- چون خود به خود روشن و خاموش می شد- اما با رواج آن، اندک اندک از حرمتش کاسته شد تا این که با روشن شدن لامپ ها مردم حتی صلوات هم می فرستادند.

عینک

عینک از وسایلی بود که نخست در زمان مظفرالدین شاه به چشم یکی دو اروپایی دیده شد و بعد از آن کم کم توسط عده ای از فرنگ برگشته و دو سه تن از دیپلمات ها که طبیب برایشان عینک تجویز کرده بود، رایج شد و از همین جهت حکیمی در تهران بود که به واسطه همین عینک زدن به «حکیم عینکی» شهرت یافته بود.

چتر

پیش از آمدن چتر به ایران، زن ها توسط چادر و مردان توسط عباهایشان که آن را به سر می کشیدند یا با انداختن دستمالی روی سر، خود را از باران حفظ می کردند. تا این که در میان سوغات از فرنگ برگشته ها چتر هم به تهران آمد. چتر نخست در دربار و سپس در میان اعیان و رجال راه یافت. بیش تر کاربرد چتر در زمان قاجار در تابستان ها هنگام سوار شدن بر اسب در بیلاق و

قشلاق و برای در امان ماندن از تابش آفتاب بود.

عصا و تعلیمی

عصاهای معمولی و وطنی عبارت بودند از چوب درختی که تقریباً صاف و سخت بود و برای کمک به راه رفتن افراد ناتوان و پیر به کار می آمد. اما از عصر قاجار عصاهای ساخت اروپا یا روسیه که صاف و صیقلی و خوش تراش بودند، مد شد. به ویژه جوان ها که معمولاً به جای عبا و قبا، کت و شلوار می پوشیدند و از نوع ظریف عصا به نام «تعلیمی» استفاده می کردند، بدون این که برای راه رفتن نیازی به آن داشته باشند.

شیشه

تا پیش از قاجار شیشه تقریباً در تهران و بلکه در ایران کم تر شناخته شده و معمول بود؛ چرا که در اساس، معماری ایرانی نیازی به شیشه نداشت و درها بدون نیاز به شیشه ساخته می شدند. تا این که معماری ساختمان به شیوه روسی و اروپایی در قصرها و بناهای سلطنتی رواج یافت و لازمه این ساختمان های تو در تو و راهرودار که فضای داخلی را تاریک می کرد، در و پنجره هایی بود که برای کسب روشنایی بیش تر شیشه شوند.

کت و شلوار

در زمان احمدشاه قاجار کم کت و شلوار در زمره پوشش های رایج مردان درآمد که آن را با جلیقه و سرداری می پوشیدند. کت های آن زمان کمی بلندتر از کت های امروزی بود و شلوار آن با بندی که به دوش انداخته می شد، صاف می ایستاد.

شیروانی (شیروانی کوبی)

معروف است که ناصرالدین شاه در خوابگاه اختصاصی خود در کاخ شمس العماره که هیچ کس حق ورود به آن را نداشت خوابیده بود. در همین هنگام پسرکی زشت رو (ملیجک بعدی) که به دنبال گربه اش به اتاق خواب ناصرالدین شاه وارد شده بود، باعث بیداری شاه و خشم وی گردید. شاه برای تأدیب او تا خارج از اتاق او را تعقیب کرد و در همین حین، سقف خوابگاه فرو ریخت. شاه به یمن رهایی از خطر، هم ملیجک را عزیز داشت و هم دستور داد سقف آن جا را شیروانی کنند. پس از آن دیگر اعیان و اشراف نیز آرام آرام به شیروانی کردن سقف منازل خود پرداختند.

شیروانی اگرچه آنان را از خطر فروریختن سقف بر اثر باران و زحمت پارو کردن برف می رهند، اما تناسب اندکی با معماری ایران و آب و هوای آن داشت. چرا که شیروانی خانه را در تابستان بسیار گرم و در زمستان سرد می کرد، حال آن که معماری منازل مسکونی در ایران تا پیش از آن طوری بوده که در تابستان ها خنک و در زمستان ها گرم باشد.

صندلی

صندلی نخست در دربار و خانه های اشراف و اعیان و پس از آن در ادارات دولت باب شد و با قوانین بهداشتی بلدی، در اماکن عمومی نظیر قهوه خانه ها نیز متداول گشت. در میان توده مردم اولین صندلی ها، صندلی هایی بودند که برای روضه خوانی های

هفتگی و ماهانه و مثل آن به کار می رفتند، در واقع چیزی شبیه منبر که روضه خوان ها از آن استفاده می کردند (پیش از آن از چهارپایه و صندوق برای نشستن روضه خوان ها استفاده می شد). همسایه ها برای برپا داشتن این گونه مجالس صندلی ها را امانت می گرفتند و کسی در ابتدا چندان راغب نبود که خود صندلی تهیه کند.

پیانو (پیانوسازی)

از آن جا که پیانو، سازی غیرایرانی بود، در ابتدا تنها در منازل خارجیان و اتباع آن ها یافت می شد و معدودی از عیسویان و مهاجران روس که در ایران اقامت داشتند، پیانو داشتند. پیانو برخلاف سازهای ایرانی بسیار بزرگ بود و حمل و نقل آن بسیار دشوار. از این رو تا مدت ها در میان توده مردم رواج نیافت به علاوه کسی هم نمی توانست که این ساز پیچیده را به صدا درآورد.

عکس (عکاسی)

عکاسی از زمان ناصرالدین شاه به ایران راه یافت. او که پس از بازگشت از سفر فرنگ این وسیله را نیز به همراه خود آورده بود، علاقه وافری به این فن داشت و عکس های بسیار از اهل حرم و خود تهیه کرده بود. این وسیله به سرعت راه خود را در میان توده باز کرد، به طوری که حتی علمای مذهبی نیز حاضر شدند که عکس آن ها برداشته شود.

دوچرخه (مرکب شیطان)

دوچرخه نخستین بار توسط دو جوان پانزده، شانزده ساله انگلیسی که در میدان «مشق» طرز کار آن را نمایش می دادند، به ایران راه یافت. در ابتدا به آن «مرکب شیطان» می گفتند؛ زیرا چگونه ممکن بود که یک وسیله نقلیه روی دوچرخ بایستد و نیفتد، برخلاف چارپایانی چون اسب و الاغ که همگی روی چهار دست و پا استوار بودند.

اتومبیل (کالسکه آتشی)

نخستین اتومبیل به نام «کالسکه آتشی» برای مظفرالدین شاه وارد ایران شد، همراه با یکی دو نفر افراد مطلع که در امور مکانیک و تعمیرات آن وارد بودند.

آینه (آینه سازی، آینه کاری)

در ابتدا از بلژیک و فرانسه و روسیه آینه هایی در اندازه های مختلف وارد شدند که به آینه روسی و پارسی و غیره مشهور بودند. این آینه ها قاب کرده و بدون قاب (لب تراش) یا بدون تراش در اندازه های مختلف بودند. از آینه در معماری هم استفاده شد و اولین مکانی که به دستور ناصرالدین شاه آینه کاری شد، مرقد «جیران» همسر محبوبش بود. سپس برای جلوگیری از ایجاد سوءظن مرقد شاه عبدالعظیم نیز آینه کاری شد. آینه کاری به تدریج به خانه های اعیان و اشراف هم راه یافت. سپس، دیگر اماکن عمومی و منازل تازه به دوران رسیده ها هم آینه کاری شد. به این ترتیب آینه کاری به یکی از عناصر معماری پس از قاجار مبدل گردید.

منابع:

- ۱- شهری، جعفر. تاریخ اجتماعی ایران در قرن سیزدهم، ج ۲، تهران: رسا، ۱۳۶۹.
- ۲- شیرازی، میرزا صالح. مجموعه سفرنامه های میرزا صالح شیرازی. تهران: تاریخ، ۱۳۶۲.
- * کوثری، مسعود. آسیب شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۹.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۴۰۲/آتش-کالسکه-شیطان-نور>